

۷۹۲

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۰ اسفند ۱۴۰۳ - ۲۸ فوریه ۲۰۲۵

بسوی ۸ مارس،

سوسیالیسم، پرچم رهائی زن!

سیاوش دانشور

صفحه ۳

کمونیست می پرسد

درباره انتخابات در کشور آلمان

از جلال محمود زاده

صفحه ۵

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

سرمایه داری نظامی ضد زن است!

علیه فرودستی زن، برای یک برابری سوسیالیستی!

صفحه ۷

جهان آشفته و بربریت کاپیتالیسم

تأثیرات جهانی، منطقه ای تحول سوسیالیستی در ایران

(بخش ششم و پایانی)

رحمان حسین زاده

صفحه ۸

فراخوان حزب حکمتیست

علیه زن کشی و زن آزاران متحد و

قاطع عمل کنیم!

صفحه ۹

ستون آخر

خانواده قتلگاه زنان بی دفاع!

جلال محمود زاده

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر کارگران است! مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

صفحه ۲

معامله قرن

پایان جنگ و غارت ثروت

اگر این توسط امریکا

سعید یگانه

سه سال از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین می گذرد. این جنگ تاکنون به تلفات انسانی سنگین، ویرانی و آوارگی بیش از یک میلیون از مردم اوکراین منجر شده است. هزاران سرباز روسی قربانی منافع دولت های بورژوازی امریکا، روسیه و اوکراین شده است. اکنون دولت امریکا یکطرفه برای صلح و پایان جنگ بدون دخالت اتحادیه اروپا و دولت زلنسکی با دولت روسیه وارد مذاکره شده و در اولین نشست در سعودی هر دو طرف از نتایج نشست راضی و خوشحال به نظر میرسند. ترامپ، زلنسکی را تحت فشار قرارداد داده که مطابق آنچه خواست دولت امریکا است به مذاکره و صلح با روسیه تن دهد. اعتراض زلنسکی به مذاکره دولت امریکا و روسیه بدون حضور اوکراین در سعودی، با خشم ترامپ روبرو شد و او را نالایق و دیکتاتور خطاب کرد. اتحادیه اروپا به تصمیم ترامپ برای پایان جنگ بدون مشورت با اتحادیه اروپا اعتراض کرده اما تاکنون کاری از پیش نبرده است.

علاوه بر این، دولت امریکا و در راس آن ترامپ در مقابل کمکهای نظامی و مالی به دولت اوکراین در طول جنگ، خواهان بهره برداری از معادن مواد کمیاب

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اقتصادی آمریکا بخصوص در اکراین، برسمیت شناختن روسیه به عنوان بلوکی از جهان چند قطبی و تمرکز بر اهداف استراتژیک تر است. اهداف دیگر آمریکا در مذاکره با روسیه برای پایان جنگ، تضعیف رابطه چین و روسیه، انزوای بیشتر جمهوری اسلامی و تضمین عدم حمایت روسیه از جمهوری اسلامی در رابطه با مناسبات غرب و جمهوری اسلامی است.

سفر روزهای اخیر لاوروف وزیر امور خارجه روسیه به ایران بعد از مذاکرات میان آمریکا و روسیه در سعودی، مطلع کردن جمهوری اسلامی از احتمال صلح با آمریکا و فشار به جمهوری اسلامی در رابطه با کوتاه آمدن در مقابل غرب و مذاکره و حل و فصل مشکلات اتمی است. دولت روسیه برای منفعت بزرگتری از حمایت از بشار اسد و جمهوری اسلامی در سوریه دست برداشت و اکنون به نظر می رسد برای منفعت بزرگتری، پشت جمهوری اسلامی را خالی کند. واقعیت این است که رابطه روسیه با آمریکا و غرب سودآورتر از رابطه با جمهوری اسلامی است و علاوه بر این، این فاکتور نیز در مناسبات با جمهوری اسلامی برای روسیه نیز اهمیت دارد که جمهوری اسلامی با توجه به مشکلات داخلی و بین المللی کشوری بی ثبات و پر نفع برای روسیه نیست.

آنچه از اوضاع برمیاد تصمیم جدی آمریکا برای پایان جنگ و برآورده کردن خواستههای دولت روسیه است. دولت اکراین برخلاف تمایل اتحادیه اروپا ناچار است به این صلح تن دهد. دولت روسیه رسماً اتحادیه اروپا را از پروسه صلح حذف کرده است و هنوز روشن نیست که رابطه اتحادیه اروپا با روسیه در صورت پایان جنگ و برقراری صلح چه روندی خواهد داشت.

بازنده اصلی این جنگ تاکنون مردم بی دفاع اوکراین بوده اند. این جنگ دهها هزار کشته و بیش از یک میلیون آواره و ویرانی زیادی به بار آورده که بازسازی آن و اسکان دوباره مردم سالهای طولانی به طول خواهد انجامید. با این حال پایان جنگ و برقراری صلح فرصتی برای مردم اکراین است که به زندگی عادی بدون تهدید و بمباران برگردند. آنچه ما در جهان شاهدیم، جنگ و فقر و مشقاتی است که دولت‌های بورژوازی بر متن منفعت خود به بشریت در جهان تحمیل کرده اند. جنگ در اکراین و غزه، دهها هزار کشته و آوارگی و ویرانی زیادی را به مردم تحمیل کرده است. به این توحش و بربریت نظام سرمایه داری باید پایان داد. این وظیفه جنبش آزادیخواهی و چپ جامعه و مشخصاً طبقه کارگر است که در مقابل سرمایه داری و فاشیسم بایستند و به عقب برانند.

۲۷ فوریه ۲۰۲۵

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

معامله قرن

پایان جنگ و غارت ثروت اکراین

توسط آمریکا

سعید یگانه

اوکراین شده است. در این توافق ترامپ، زلنسکی را به یک معامله غارتگرانه به نفع آمریکا وادار کرده است. در این معامله قرن، آمریکا ۵۰ درصد از درآمدهای صندوق مواد معدنی نادر در اکراین را به دست خواهد آورد. این توافق شامل بهره برداری از منابع گاز و نفت اکراین نیز خواهد بود. جمعه زلنسکی برای امضای این قرارداد و روند صلح و پایان جنگ به آمریکا سفر خواهد کرد.

در این قرارداد پیوستن اکراین به ناتو بطور قطع منتفی اعلام شده، خواستی که دولت روسیه آن را یکی از مفاد صلح و پایان جنگ عنوان کرده است. در توافق ترامپ با زلنسکی هیچگونه تضمین امنیتی در مقابل روسیه برای اکراین از طرف آمریکا پیش بینی نشده و ترامپ امنیت اکراین بعد از پایان جنگ را رسماً به عهده اتحادیه اروپا گذاشته است.

چه کسی جنگ را آغاز کرد

اگرچه میدان جنگ در اکراین است، اما طرفهای اصلی این جنگ ناتو و در راس آن آمریکا و دولت روسیه است و اروپا نیز آتش بیار و حامی و شریک جنگ. برنده این جنگ آمریکا و غارت منابع نادر اکراین و در طول این جنگ میلیاردها دلار فروش ادوات جنگی که سود آن به جیب دولت آمریکا و کارتل‌های اسلحه سازی آمریکا رفته است. دولت روسیه که بخشی از خاک اوکراین به انضمام کریمه را به خود ملحق خواهد کرد. ترامپ این حق را برای روسیه برسمیت شناخته است. یک بازنده این جنگ اتحادیه اروپا است که میلیاردها دلار کمک نظامی و مالی برای مقابله با روسیه تاکنون به اکراین سرازیر کرده است. واقعیت این است که جنگ در اکراین و فلسطین میدان‌هایی از جنگ و رقابت دولت‌های امپریالیستی و دول بورژوازی برای تجدید آرایش جهان بعد از جنگ سرد است. پیشروی ناتو در شرق اروپا، بحث عضویت اکراین در ناتو و عوامل دیگری، تهدید ی برای روسیه و بهانه ای برای حمله روسیه به اوکراین شد.

با فروپاشی بلوک شرق و پایان جنگ سرد آمریکا به عنوان تنها بلوک قدرتمند جهان قد علم کرد و مدعی "نظم نوین جهانی" شد. بعد از بیشتر از دو دهه چین به عنوان یکی از بلوک‌های اقتصادی قدرتمند در مقابل آمریکا قد علم کرد و روسیه با دخالت نظامی در تحولات سوریه و لیبی و حمله به اکراین خود را به عنوان یکی از بلوک‌های قدرتمند نظامی بعد از فروپاشی دیوار برلین، اکنون خود را به آمریکا و غرب تحمیل کرده است. تشکیل بلوک اقتصادی بریکس میان دو بلوک قدرتمند نظامی و اقتصادی چین و روسیه با اضافه هند و برزیل و آفریقای جنوبی، آمریکا را در جهت برسمیت شناسی جهان چند قطبی بیش از پیش سوق داده است. پیش قدم شدن دولت آمریکا برای پایان جنگ و برقراری صلح در اکراین، اولاً علاوه بر تامین منافعی

مرگ بر جمهوری اسلامی!

بسوی ۸ مارس،

سوسیالیسم، پرچم رهائی زن!

سیاوش دانشور



در خدمت منافع اقلیت بسیار ناچیزی، یعنی طبقه بورژوازی، بدل شده است.

نه فقط ستمکشی زن و تبعیض بر اساس جنسیت، بلکه نفس وجود هر نوع ستم و تبعیضی در دنیای امروز، رابطه مستقیمی با منافع نظام سرمایه‌داری و طبقه حاکم دارد. از خانواده بعنوان یک نهاد اقتصادی تا قلمرو تولید و مناسبات اجتماعی و قوانین، موقعیت فرودست زن وسیله‌ای برای کسب سود است و منافع طبقه‌ای را پاسداری میکند. ستمکشی زن یک رکن انباشت سرمایه است. همین ضرورت بازتولید بقای تبعیض و نابرابری و نگرش ضد زن و خشونت علیه زنان را توضیح میدهد. زن سنیزی مسئله‌ای صرفاً فرهنگی و اخلاقی و اسپسگرا نیست، مسئله‌ای اقتصادی و اجتماعی است. به منافع سلسله مراتب نابرابری در جامعه در تمام سطوح خدمت میکند و دقیقاً به همین اعتبار افکار و آرا و نگرش ضد زن ضروری‌اند و توسط نفازه کشان فسیلی دستگاه مذهب و ایدئولوژی متحجر بازار و "فرهنگ سازان" مرتجع بورژوا بازتولید میشوند.

در این دنیای تاریک است که ما کارگران و کمونیستها، ما زنان و مردان برابری طلب، ما انسانهای فهیم و آزاد اندیش، هنوز پرچم ۸ مارس را در دست داریم. آرزوی ما این نیست که تا جهان وجود دارد به خیابان بیانیم و از برابری زن و مرد دفاع کنیم! آرزوی ما اینست که دیگر جنگی برای ۸ مارس ضروری نباشد. تبعیض بر اساس جنسیت مانند هر جهالت و عقب‌ماندگی تاریخی دیگری ورافتاده باشد. ۸ مارس میراث و سنت کمونیسم کارگری است و بحق باید عزیز داشته شود. اما هدف این جنبش نفی فوری نابرابری و تبعیض و نفی شرایطی است که جامعه طبقاتی با تمام تضادها و تناقضات و مصائبش، زندگی بشر امروز و از جمله زنان را به جهنمی روی زمین تبدیل کرده است. ۸ مارس صرفاً یک یادواره و مراسم "تکریم" از عقاید پیشرو و آرمانهای آزادخواهانه نیست، بلکه جبهه‌های قدیمی در جنگ علیه تبعیض و تحجر و نابرابری است و باید مادام که ذره‌ای از تبعیض بر اساس جنسیت برجاست، پرچم آن برافراشته باشد.

آزادی زن و اسلام سیاسی

یک مسئله اساسی دیگر موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده و مصافهای جنبش آزادی زن در این جوامع است. اینجا تفکیک مثلاً ایران و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با کشورهای اروپایی و آمریکایی تا آنجا که به تعیین سیاستها و جایگاه جنبش آزادی زن برمیگردد بسیار حیاتی است. در اروپای غربی بعنوان مثال امر برابری حقوقی کمابیش مُحقق شده است و مسئله برابری اقتصادی در قلمروهای مختلف صورت مسئله سوسیالیستهاست. در ایران و کشورهای اسلام‌زده همین سیاست ناکافی است. تکرار صرف بحث درست برابری اقتصادی در کشوری مانند ایران و در عین حال بی‌توجه بودن به اهمیت تقابل با حاکمیت اسلامی بعنوان یک ابزار مهم و روبرویی سیاسی قدرت سرمایه‌داری، عملاً جنبش آزادی زن را در مقابل شمشیر خونین اسلام

صفحه ۴

میزان حرمت و آزادی بشر در دنیای امروز رابطه مستقیمی با درجه رُشد تکنیک و علم و ثروت اجتماعی ندارد. بنظر میرسد این رابطه معکوس است. حقوق انسانها عموماً و حقوق مردم کارگر و زحمتکش و زنان خصوصاً، در دهه دوم قرن بیست و یکم در قیاس با دهه های شصت و هفتاد میلادی قرن بیستم و حتی قبلتر، بسیار وخیم است. امر آزادی و برابری و حقوق جهانشمول انسانها که زمانی از ارزشهای معنوی بشریت پیشرو بود، امروز دور دست و چه بسا مُحال به نظر میرسد. عقب‌گردهایی که سرمایه و جنبشهای ارتجاعی و ایدئولوژیهای مُنحط به بشریت تحمیل کرده اند، نه فقط آرمانخواهی و تحقق ایده‌های قدیمی را به حاشیه رانده است بلکه سطح توقع انسانها از خود و از جامعه را بشدت تنزل داده است. دنیای امروز در جنگ و نفرت قومی و مذهبی و نسل‌کشی و زن سنیزی و کارگرکشی غرق شده است.

زمانی میگفتند آزادی بشر در گرو پیشرفت جامعه، رُشد صنعت و تکنیک و وجود شرایط مادی‌ای است که بتوان از حقوق و آزادی و رفاه برای انسانها صحبت کرد. یک مشاهده ساده نشان میدهد که دنیای قرن بیست و یکم در ثروت و تکنولوژی پیشرفته و دستاورد علمی و توان غول آسای انسانی برای پیشرفت غرق است. با اینحال انسانها در قرن بیست و یکم در قیاس با قرن گذشته بسیار بیحقوق‌ترند. این اوضاع برای هزارمین بار اثبات میکند که بشر بطور تدریجی و برگشت ناپذیری رُشد نمیکند و جلو نمیرود بلکه نیروهای واقعی سیاسی میتوانند جامعه را به قهقرا برگردانند. این یک طرف مسئله است. طرف دیگر مسئله جنبشها و نیروهای سیاسی و طبقاتی هستند که هنوز برای امر تغییر تلاش میکنند و تغییر اوضاع موجود را ممکن میدانند.

واقعیت اینست اگر وضع موجود را نپذیریم، اگر از عینک نظام بورژوائی و دستگاه مافیائی مذهب و مردسالاری نهادینه در آن نگاه نکنیم، با امکانات مادی و دستاوردهای تکنیکی و اطلاعاتی دنیای امروز، با هر محاسبه‌ای میتوان دنیائی آزاد و مرفه و خوشبخت برای همگان ساخت. میتوان از فقر و فلاکت و زن سنیزی و جامعه‌سنیزی و مصائب گریبانگیر بشر آزاد شد. اما هنوز مردسالاری و خشونت علیه زنان هزارها بار بیشتر از طاعون و جُزام و ایدز و بیماریهای اپیدمیک و حتی جنگها از بشریت قربانی میگیرد. سوال اینست که منشأ این زن سنیزی، این جان سختی مردسالاری، این فرهنگ ماچویستی کجاست؟ چرا ضدیت با آزادی و حرمت زن، علیرغم تفاوتهایی که در حقوق و موقعیت زنان در کشورهای مختلف هست، به شناسنامه دنیای امروز تبدیل شده است؟ چرا این فرهنگ منحط هر روز بازتولید میشود؟

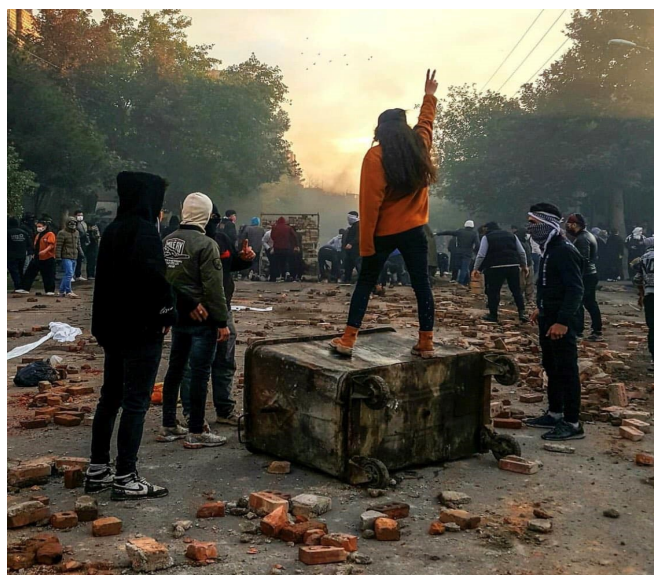
سرمایه داری و ستمکشی زن

تاریخ مکتوب بشر با زن سنیزی و زن گُشی عجین است. به این اعتبار زن سنیزی و تبعیض بر اساس جنسیت ویژگی سرمایه‌داری نیست. اما سرمایه‌داری این میراث نفرت‌انگیز تاریخ را مطابق با نیازهای بازار و سود سرمایه نونوار کرده است. مصائب جامعه امروز دیگر میراث عهد بوق و دوران جهالت بشر نیست بلکه محصول نظام سیاسی و اقتصادی امروز است. اگر هنوز زن گُشی در دنیای امروز الگوهای قرون وسطی را بخاطر می آورد، تنها بیانگر این واقعیت است که افکار و عقاید طبقه حاکم و نظام سرمایه‌داری تا سطح افکار و فرهنگ قرون وسطی سقوط کرده است. در دنیائی که انفجار اطلاعات آن را به

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

و جنسیت و "بومی" و "خارجی" و "هویت جنسی" و "اقلیت" و "اکثریت" و غیره قصابی میکند، از این تقسیمات کاذب ذینفع است. کمونیسم علیه این تقسیمات کاذب است. کمونیسم برخلاف سرمایه داری منفعتی در این تقسیمات و هویت‌های کاذب ندارد. برای کمونیسم کارگری، جنبش آزادی زن یک رُکن جنبش سوسیالیستی است. اگر برای بورژوازی فرودستی زن یک رُکن انباشت سرمایه است، برای کمونیسم کارگری آزادی زن یک رُکن اساسی آزادی جامعه است. بشریت کارگری که برای آزادی جامعه برمیخیزد، ناچار است بعنوان بشریت آزاد از هرگونه تبعیض و نابرابری برخیزد، و به همین اعتبار، ناگزیر است ریشه‌های کُل تبعیض و نابرابری و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن را در هم بکوبد.

بارنشر: اولین بار در ۱۵ ژانویه ۲۰۱۴ منتشر شد.



بسوی ۸ مارس، سوسیالیسم، پرچم رهائی زن!

سیاوش دانشور

خلع سلاح میکنند. در کشورهای اسلامزده که آپارتاید جنسی یک رُکن حاکمیت سرمایه‌داری است، فرودستی زن از جنس نژاد پرستی و سلبِ هویت اجتماعی و انسانی نیمی از جامعه است. همانطور که سیاست و شعار هر سوسیالیست و کمونیست جدی در آفریقای جنوبی دوران نژادپرستی الغای فوری آپارتاید بود و نفی آپارتاید نژادی را یک گام مهم در انکشاف و بسط مبارزه طبقاتی میدانست، در ایران اسلامزده نیز نفی آپارتاید اسلامی یک شرط پیشروی جنبش آزادی زن برای تحقق برابری سوسیالیستی است. در کشورهای که هویت انسانی اولیه نیمی از جامعه رسماً و قانوناً برسمیت شناخته نمیشود، امر سوسیالیسم و کمونیسم کارگری به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد.

یک تفاوت دیگر اینست که مسئله زن در ایران و کشورهای منطقه یک گوشه جدال بین المللی و تعیین کننده با اسلام سیاسی است. زن ستیزی، حجاب اسلامی، حاکمیت قوانین آپارتاید جنسی، از ارکانهای مهم ایدئولوژی جنبش اسلام سیاسی است. "انقلاب زنانه"، یعنی انقلاب رهائی بخشی که زنان در آن نقش چشمگیری دارند، کمر جنبش اسلام سیاسی را میشکند و سرآغاز دوران نوینی از برابری خواهی و آزادیخواهی سوسیالیستی در منطقه و جهان خواهد شد. پیروزی بر آپارتاید اسلامی در ایران زنان را بعنوان یک بازیگر مهم اجتماعی علیه اسلام و سرمایه داری در معادلات بین المللی طرح میکند و سوسیالیسم را بعنوان پیشروترین و مدرنترین جنبش مقابل بشریتی میگذارد که در جستجوی راهی برای برون رفت از کثافات سرمایه داری است.

اصلاحات و رهائی زن

مبارزه برای بهبود و تغییر قوانین به نفع زنان فوری و حیاتی است و ما کمونیستها و فعالین جنبش آزادی زن در صف اول هر مبارزه برای بهبود قانونی حقوق و حرمت زنان هستیم. اما باید بین هر تغییر و اصلاحی به نفع زنان با نفی ریشه ستم بر زن در جامعه طبقاتی، رابطه روشنی برقرار کرد. دیدگاههایی که هر نوع بهبود فوری موقعیت زنان را به سوسیالیسم حواله میدهند، همبظور دیدگاههایی که تلاش دارند سازشی بین خواستهای زنان و جامعه موجود برقرار کنند، هردو و هرکدام بنوعی، افق پیشروی این جنبش را مخدوش میکنند. اولی از سوسیالیسم درکی "امام زمانی" دارد در صورتی که سوسیالیسم یک جنبش واقعی و جاری برای تغییر است و کل دستاوردهای تاکنونی جوامع بشری اساساً محصول مبارزه نسلهای متمادی کارگران و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی است. و دومی رفرمیستی است چون افق آزادی زن را در چهارچوب نظم کنونی قالب میزند. برای کمونیسم و برابری طلبی سوسیالیستی نه فقط مبارزه برای بهبود و اصلاحات و تغییر پایه ای و ریشه ای تناقضی ندارد بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند. زن باید بعنوان انسان برابر از قید هر نوع ستم آزاد شود. زن بعنوان انسان برابر نباید شرایط خفت بار موجود را بپذیرد.

در ۸ مارس باید بر خواستهای فوری و پایه ای و نفی ارتجاع و آپارتاید و بیحقوقی زن تاکید کرد. در این روز باید سرمایه داری را بعنوان مسبب تمام مشقات انسان امروز به محاکمه کشید و برای سرنگونی آن فراخوان داد. نظامی که انسانها را با مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



مواد غذایی و بیکارسازیهای وسیع در صنعت اتومبیل و فلزات، فقر نسبی را به طبقه متوسط جامعه هم تحمیل کرده است.

اشاعه خود فضای جنگی در اروپا و بخصوص در آلمان، تبلیغ روزمره خطر حمله روسیه به آلمان، ترساندن مردم از پناهندگان و خارجیان به بهانه ترورهای اخیر بدست تروریستهای

اسلامی، تبلیغ اینکه امنیت اجتماعی در خطر است، میلپتاریزه کردن دولت، افزایش سرسام آور بودجه نظامی و در مقابل محدود کردن خدمات اجتماعی، زمینه را برای رشد ایده های دست راستی آماده کرده است.

حزب دست راستی (آ.ف.د.) با شعار عامه فهم " مالیات مردم را خرج جنگ نکند"، " با روسیه صلح کنید تا گاز و نفت ارزان دوباره وارد شود"، میداندار معرکه سیاست میشود. درحالیکه دولت همچنان بر طبل جنگ افروزی می کوبد.

در این میان شرایط کل جهان، انتخاب دوباره ترامپ و رشد احزاب دست راستی در اغلب کشورهای اروپایی هم زمینه را برای بیشتر به راست چرخیدن سیاست در آلمان کمک کرده است.

کمونیت: آینده این اوضاع چقدر نگران کننده است؟ بخصوص برای پناهندگان و مهاجرین. در مقابل رشد فاشیسم چکار باید کرد؟

جلال محمودزاده: اوضاع سیاسی در آلمان عمیقاً نگران کننده است. تا اقتصاد آلمان دوباره جان نگیرد، سیاستهای اقتصادی، ریاضت کشی بیشتری به مردم تحمیل میکند. بعلاوه در چند سال گذشته برای تامین بودجه نظامی از بودجه خدمات اجتماعی کم کرده اند و این سرعت بیشتری خواهد گرفت.

آیا این شرایط، زمینه رشد اعتراضات کارگری را برای دفاع از سطح معیشت خود را بدنیا خواهد داشت؟ معلوم نیست. نتیجه انتخابات گویای چیز دیگری است. اتحادیه های کارگری در چهارچوب قانون اجازه فعالیت سیاسی ندارند و دشمن گیر است. و فعلاً با اضافه حقوق چند در صدی سالانه خود راضی نگه داشته شده اند. جریانات و یا احزاب رادیکال خارج از پارلمان هم هر چند متنوع و بیشمارند ولی نقش اساسی در سوخت و ساز سیاسی جامعه ندارند.

ولی اعتراضات عمومی ضد فاشیستی کم و بیش در خیابانها خواهند ماند. بهر صورت دوران انتظار بعد از انتخابات، مدتی مردم را در کنج افکار نگران خود منجمد خواهد کرد.

در مورد پناهندگان حتما قوانین محدود کننده بیشتری خواهد آمد. که اساساً متمرکز است بر جلوگیری از آمدن بیشتر پناهنده. میخواهند با قوانین جدید در مرزها مانع ورود آنان شوند و حق تقاضای پناهندگی در ورود به مرزها را لغو کنند. میخواهند پناهندگانی که قانوناً مجرم شناخته شده اند در زندانها نگه دارند تا اخراج شوند. و پناهندگانی که ترک خاک گرفته اند در هایماها با محدودیت زیاد نگه دارند. هزینه زندگی آنان نیز کم و بیش تا بحال کم شده و یا به کوپن خوار و بار تبدیل شده است.

مقابله با رشد دست راستیها که حالا قدرت بیشتری در دولت دارند، وارد چالشهای جدیدتر و وسیعتری خواهد شد. صدراعظم جدید هنوز دولت را در دست نگرفته، نتانیاهو را به آلمان دعوت کرده است و

کمونیت می پرسد

درباره انتخابات در کشور آلمان

از جلال محمودزاده

کمونیت: روز ۲۳ فوریه انتخابات در آلمان برگزار شد. برخلاف سالهای قبل چرا این بار انتخابات پر سر و صدا و مهم بود؟

جلال محمودزاده: یکی از مشخصات این انتخابات شرکت بالای مردم بود. ۸۴٪ یعنی تقریباً ۵۰ میلیون نفر از ۵۹ میلیون دارنده حق رای در رای گیری شرکت کردند. از آخرین باری که در انتخابات در آلمان تا این حد مردم در انتخابات مشارکت داشته اند، ۳۵ سال پیش (۱۹۹۰) میگردد.

بعلاوه رشد سریع احزاب راست افراطی در این زمینه، مردم آلمان را از خواب خرگوشی بیدار کرد. بعد از اینکه حزب محافظه کار سوسیال مسیحی با همراهی حزب راست افراطی (آ.ف.د.) لایحه محدودیت حقوق پناهندگی را به مجلس آوردند، مردم خطر پیوند این دو تا جریان را حس کردند و بر علیه آنها به خیابانها آمدند. در عرض سه الی چهار هفته گذشته قریب ۷ میلیون نفر در سراسر آلمان به خیابانها آمدند. با توجه به تاریخ گذشته آلمان، محافظه مردم خوب میداند که وقتی دست راستیها از پناهندگان و خارجیان شروع میکنند طولی نمیکشد که نوبت به خود آنها هم برسد.

در تظاهراتهای متعدد شهر کلن، ۸۰٪ پلاکاردها در دست مردم بودند که با دست ساخته بودند و دست نوشته های خودشان بر روی آنان بود. تعداد زیادی خانواده با کودکان خود در راه پیمایی بودند که فرزندان شان طلبهای کوچکی در دست داشتند و آنها را به صدا در میاورند. نواختن این طلبها یادآور فیلم به یاد ماندنی " طلبهای حلبی" است که کودکی با ریتم صدای طبل حلبی خود، آغاز و پایان کشتارهای نازیها در خیابانها را به نمایش میگذارد. اینها همه نشان از نگرانی عمیقی است از صدای پای آهسته ولی مداوم نازیسم. نگرانیهای جدی مردم، بخاطر حال و آینده خود و فرزندان خود هستند نه فقط بخاطر پناهندگان و مهاجرین.

کمونیت: نتیجه انتخابات نشان میدهد که جامعه آلمان نسبت به انتخابات قبلی بیشتر به راست چرخیده، علت چیست؟ شما مسئله را چگونه می بینید

جلال محمودزاده: درسته، اعداد هم این را میگویند. محافظه کاران ۲۸،۵٪ و راست افراطی ۲۱،۵٪، جمعاً ۵۰٪ درصد رای دهندگان. رقمی در حدود ۲۵ میلیون نفر. راست افراطی نسبت به ۴ سال پیش درست دو برابر رشد کرده است. این خیلی نگران کننده است. تازه نیمی از ۵۰٪ بقیه هم احزابی هستند مثل سوسیال دمکراتها و سبزها که در جنگ افروزی در اکراین و پشینیانی از کشتار در غزه، دست کمی از راستها ندارند.

جامعه شدیداً قطبی شده است. ۲۵٪ جوانان ۱۸ تا ۲۵ به حزب چپ رای داده اند و ۲۱٪ به راست افراطی (آ.ف.د.) رای داده اند. حزب چپ بعد از انتشعاب سال گذشته به پایین ۵٪ رسیده بود. در این انتخابات ناگهان قریب ۹٪ آورد. که خودشان هم باورشان نمیشود و بقیه را هم در شوک و ناباوری فرو برده است.

علت اصلی اقتصاد ورشکسته آلمان است. بخصوص بعد از شروع جنگ در اکراین و تبعات آن یعنی گرانی گاز، برق، خدمات،

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

فاشیسم کلاسیک قبل از هر اقدامی ابزارهای دولتی را که تا جاییکه لازم باشد میلیتاریزه میکند. در زمان هیتلر هم قبل از اینکه سراغ یهودیان بروند، سراغ احزاب، سازمانهای سوسیالیست، اتحادیه های کارگری و آزادیخواهان رفتند. تمام تشکلهای را منحل کردند و حدود ۵۸ هزار نفر از آنان را به عناوین مختلف به قتل رساندند.

مقابله با رشد فاشیسم جواب محلی ندارد. چون عروج آن در مرزها توقف نمیکند. تجربه نشان داد که در زمان نازیسم هیتلری، دولتهای ایتالیا و ژاپن هم همدست شدند. هر چند نطفه اولیه آن از آلمان شروع شد.

در آلمان کنونی اگر بجای ۷ میلیون ده ها میلیون به خیابانها میآمدند لابد تناسب قوا به نفع ضد نازیستها، خود را در نتیجه انتخابات نشان میداد. متأسفانه فعلاً شرایط در جهت دیگری پیش میرود.

اگر جنگ در اکرین بهر دلیل و به هر شیوه ای تمام شود و ریشه فضای جنگی در سطح حداقل اروپا تخفیف یابد و به طبع آن استیصال، تورم و گرانی کمتر بر گردن مردم سنگینی کند، شاید مردم و چپ و آزادیخواهان بتوانند در شرایط مناسبتری بر علیه رشد فاشیسم عرض اندام کنند.

27 فوریه 2025

کمونیست می پرسد

درباره انتخابات در کشور آلمان

از جلال محمود زاده

گفت که "برای حکم بازداشت بین المللی دادگاه لاهه شما راهی پیدا میکنیم." این صاف و پوست کنده یعنی قوانین بین المللی همه کشک هستند.

دیروز گزارش رسید که حزب سوسیال مسیحی طی نامه ای حاوی بیشتر از ۵۰۰ سؤال از سازمانها و انجمنهای ثبت شده و ان/جی/ او ها خواسته تا به سوالات جواب بدهند. تا بتوانند فعالیتهای آنها را بررسی کرده و در صورت لازم کمکهای دولتی را قطع کنند. این سازمانها اغلب علیه دست راستیها فعالیت میکنند و در سازماندهی اعتراضات اخیر بر علیه همین حزب بخاطر همکاری با حزب راست افراطی در آلمان نقش بسزایی داشتند.

این الگوی همان سیستم ترامپ است که ظاهراً موقتی تمام کمکها به سازمانهای غیردولتی را قطع کرده است.

یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هر یک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



مورد تبعیض قرار میدهد، ضد انسانی است. نظامی که آپارتاید جنسی و نژادی را به رُکن مناسبات اجتماعی بدل کرده است و حقوق و هویت اولیه انسانها را انکار میکند، فاشیستی است. نظامی که در آن خشونت و جنایت علیه زنان بیداد میکند و این بردگی را مبنای کسب سود سرمایه کرده است، باید سرنگون شود. در نظامی که تبعیض

و نابرابری، مالکیت خصوصی، بردگی مزدی، استثمار فرد از فرد و ایجاد شکاف میان آحاد طبقه کارگر ارکان اساسی آنست، آزادی زن از انقیاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگ و اخلاقیات متحجر سرمایه داری ممکن نیست. کسب برابری حقوقی و پیشرفتهای تاکنون حاصل شده در بخشی از کشورهای جهان، نه از ترقیخواهی بورژوازی بلکه نتیجه مبارزات شکوهمند زنان و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای آزادی و برابری بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی مبارزه میکند و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن در تحولات جاری است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مردم آزادیخواه را در روز جهانی زن به اعتراض علیه حکومت ضد زن و برگزاری مراسمها و اجتماعات روز زن فرامیخواند. ضروری است که نسل جوان و انقلابی علیه پدیده فوق ارتجاعی زن کشی سد محکمی ایجاد کنند. زن کشی سیستماتیک اخیر زیر سایه رانت قوانین اسلامی و علیه روند مبارزه انقلابی است. حزب کمونیست کارگری- حکمتیست همراه با جنبش بین المللی حقوق زن، ۸ مارس روز جهانی زن را گرامی میدارد.

برابری بیقید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی!
حجاب را آتش بزنید، نابود باد آپارتاید جنسی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۰ بهمن ۱۴۰۳ - ۸ فوریه ۲۰۲۵



اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

سرمایه داری نظامی ضد زن است! علیه فرودستی زن، برای یک برابری سوسیالیستی!

در قرن بیست و یکم، از آمریکا تا اروپا، دموکراسی و انتخابات مکانیسم قدرتگیری روزافزون فاشیستها شده است. اعمال قوانین ضد زن، حمله به دستاوردهای طبقه کارگر، میدان دادن به مذهب و مردسالاری و ناسیونالیسم و بیگانه گریزی، به صدر سیاست بورژوازی رانده شده است. ساختارهای بعد از جنگ دوم جهانی از نظر بانیان آن بی اعتبار شدند و میلیتاریسم و توسعه طلبی امپریالیستی چهارچوبی برای بازسازی نظم کهنه و رقابت دولتهای سرمایه داری اند. در کشورهای تحت سلطه از خاورمیانه تا شمال آفریقا، نیروهای از گوربرخاسته مذهبی در کار احیای بردگی و جنایت سازمانیافته اند. دنیای امروز صحنه تهاجم سرمایه به هر جلوه ای از حق و آزادی انسانهاست. اما این یکطرف تصویر است؛ مقاومت و مبارزه، برآمدهای توده ای و انقلابی، اعتصاب و اعتراض علیه وضع موجود، سیمای دیگر جهان امروز است. در آستانه روز جهانی زن میلیونها نفر در آمریکا و اروپا علیه فاشیسم و سیاستهای ضد زن بمیدان آمده اند. خاورمیانه تنها صحنه نسل کشی دولت اسرائیل، زن کشی طالبان در افغانستان و رژیم اسلامی در ایران و ارتجاع مذهبی و قومی منطقه نیست. جنبش طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، نسل جدید، تمایلات سکولاریستی و سوسیالیستی، سنگرهای مقاومت و پرچم تغییر انقلابی اند.

در ایران برآمد انقلابی و زنانه ۱۴۰۱ خود را به سنت ۸ مارس ۱۳۵۷ وصل میکند. زنانی که علیه فرمان حجاب خمینی در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ در تهران با شعارهای؛ "ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم"، "حقوق زن نه شرقی است، نه غربی، جهانی است" بمیدان آمدند، در شهریور ۱۴۰۱ با به آتش کشیدن حجاب اسلامی میخ دیگری بر تابوت رژیم اسلامی کوبیدند. جنبشی که طی ۴۵ سال مبارزه و مقاومت، حجاب اسلامی این بیرق آپارتاید جنسی را دوفاکتو لغو کرد، میبرد که نظم آپارتاید و قوانین اسلامی را برای همیشه دفن کند. در شرایطی که نمایندگان دموکراسی غربی از جریانات اسلامی و احیای ارزشهای مذهبی حمایت میکنند، در جامعه ایران برابری طلبی، آنتی اسلامیسیم و رادیکالیسم، یک گرایش قدرتمند خیزش انقلابی زنانه است. این خصوصیات به سنت سوسیالیستی ۸ مارس تعلق دارد. امروز راه حل سوسیالیستی مسئله زن به راه حل سوسیالیستی نجات جامعه ایران گره خورده است. نیروها و جریاناتی که رفع ستم فوری بر اساس جنسیت را غیرممکن و یا موکول به محال میکنند، در تداوم و بقای فرودستی زن ذینفعند. ما برای بهبود فوری حقوق زنان در خانواده و محیط کار و اجتماع و برای نفی مبنای تبعیض و نابرابری در جامعه مبارزه میکنیم.

حکومت آپارتاید جنسی مورد انزجار عمومی است، جامعه آستان تغییر انقلابی است، زنان مَهر خود را بر سیاست کوبیده اند، جمهوری اسلامی رفتنی است. نظامی که نیمی از جامعه را بدلیل جنسیت شان

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



امید و نگاهها به نقش رهایی بخش طبقه کارگر و جنبش کارگری برای نجات جامعه از مصائب فاجعه بار حاکمیت کاپیتالیستی و جمهوری اسلامی دوخته شده است.

مردم جان به لب رسیده جامعه ایران در نبردی بی امان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آینده ای به دور از ستم و رنج و ناهنجاریهای کنونی، به

الترناتیوی متضمن آزادی و برابری و رفاه چشم دوخته اند. این باور که طبقه کارگر و الترناتیو کارگری ظرفیت و توانایی ساختن آینده ای به دور از حاکمیت سرمایه و استثمار و تبعیض و نابرابری و تحقق سعادت و رفاه همگانی برای شهروندان را دارد، بیش از پیش توجه جنبشهای اعتراضی رادیکال و محرومان جامعه را به خود جلب کرده است.

این نقطه عطف مهمی در مسیر تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع آزادی و برابری و حکومت کارگری و رهایی قطعی کل جامعه از مشقات نظم وارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی است. لذا با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک جامعه ایران در معادلات جهانی به عنوان یکی از کشورهای مهم سرمایه داری در خاورمیانه از کانونهای بحرانی مهم دنیای امروز تحول رادیکال و سوسیالیستی در ایران اثرات جهانی و منطقه ای مهمی را بدنبال خواهد داشت. توازن قوا را به نفع جنبش طبقه کارگر و صف آیدخواهی و برابری علیه بربریت سرمایه در منطقه و جهان تغییر میدهد. شرایط واقعی پایه گذاشتن همبستگی مبارزاتی گسترده و ایجاد انترناسیونالیسم کارگری را فراهم میکند.

فوریه ۲۰۲۵

جهان آشفته و بربریت کاپیتالیسم

تأثیرات جهانی، منطقه ای تحول سوسیالیستی

در ایران

(بخش ششم و پایانی)

رحمان حسین زاده

در پنج بخش قبلی این سلسله مطالب تا آنجا که امکان داشت، مختصات بربریت سرمایه داری در این دوره و پیامدهای هولناک آن را علیه بشریت در سطح جهان، در کشورها و مناطق بحرانی دنیای امروز بررسی کردیم. تأکید کردیم پایان دادن به تعرض سبعمانه و همه جانبه سرمایه داری به همه شئون زندگی و کار طبقه کارگر و مزدبگیران و بشریت به نقش و حضور آگاهانه و سازمانیافته جنبش سوسیالیستی کارگری، به سازماندهی انقلاب کارگری برای در هم کوبیدن نظم وارونه کاپیتالیستی و سد کردن بربریت این نظام گره خورده است. راه سومی نیست. پافشاری بر "سوسیالیسم یا بربریت" و به ویژه من در این دوره بر سوسیالیسم کارگری تأکید ویژه میگذارم و صرفاً برای تبلیغ و آگاهگری نیست، مبرمیت روز است. تنها الترناتیو و گورکن این نظام وارونه و مصائب آن الترناتیو سوسیالیستی و کارگری است. باین بست و سترونی چپ بورژوا رفرمیست هیچ الترناتیو وسط و بینابینی برای تعدیل و بهبودی در کارکرد سرمایه وجود ندارد. صورت مسئله اینست الترناتیو سوسیالیسم کارگری یا میتواند باسازماندهی انقلاب کارگری بربریت سرمایه را جارو کند و به جایش حاکمیت شورایی کارگری تامین کننده رفاه و آزادی و سعادت به دور از استثمار انسان به دست انسان را بنیاد نهد و یا بربریت سرمایه داری با شدت گرفتن مصائبش به عمر ننگین خود ادامه دهد.

به میدان آمدن الترناتیو سوسیالیستی به طور کلی در همه جا و در بطن همه تلاطمات جاری اتفاق نمی افتد. یک روند پراتیکی سازمانیافته و هدفمند را در شرایط مشخص و در جغرافیای معین با محوریت طبقه کارگر آگاه و رهبری آگاه و سوسیالیستی آن میطلبد. همانطور که نمونه تاریخی آن در تجربه درخشان انقلاب کارگری ۱۹۱۷ روسیه اتفاق افتاد.

از این زاویه تحول سوسیالیستی در جامعه ایران و نقش چنین تحولی در جدال طبق کارگر و کمونیسم علیه سرمایه داری نه تنها در خود ایران بلکه در سطح خاورمیانه و جهان اهمیت بالایی دارد. همگان میدانند جامعه ایران آستان تحولات سرنوشت ساز و تعیین کننده است. جمهوری اسلامی با بحرانهای مرکب و بن بستهای بی پاسخ روبرو است. این رژیم رفتنی است. در یک دهه اخیر فوران خشم مردم تشنه آزادی علیه فقر، گرانی و فساد گسترده در خیزش سراسری دیماه ۹۶ و عروج مجدد جنبش عظیم سرنگونی در آبانماه ۹۸، درخیزش انقلابی چندین ماهه سال ۱۴۰۱ و در اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای خود را نشان داده است. پتانسیل این جنبشها با قصد سرنگونی جمهوری اسلامی موجب تغییر جدی توازن قوا به نفع ادامه مبارزه کارگران و مردم عاصی از جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است. واقعیت مهم اینست، جنبش طبقه کارگر نیروی فعاله و سازنده تحولات مبارزاتی جامعه ایران است. اکنون بیش از هر دوره ای در تاریخ سیاسی ایران،

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب
کمونست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از
طریق کانال الترناتیو شورایی در اینترنت دنبال
کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

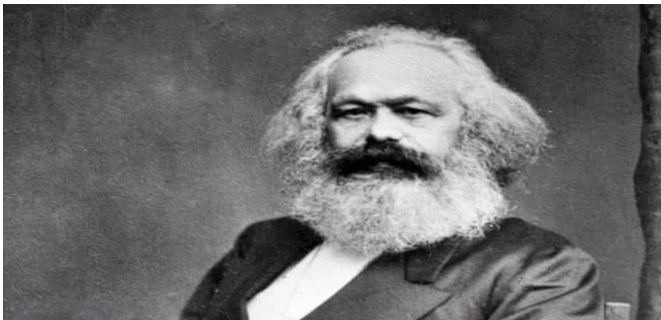
انقلابی، به کمونیست ها، به آزادیخواهان و برابری طلبان، به همه کسانی که مردسالاری و زن آزاری و زن گشی را دون شأن خود میدانند؛ اینست که با ابتکارات مختلف در مقابل این موج ارتجاعی سدی محکم ایجاد کنیم، متحد و قاطع عمل کنیم، سلولهای دفاع از امنیت زنان ایجاد کنیم، زن کش ها و زن آزاران را گوشمالی دهیم و مجازات کنیم. هیچ زنی نباید احساس تنهایی کند، جامعه نباید این توحش و حقارت عمومی را تحت عنوان "فرهنگ و ناموس" بپذیرد، هیچ زن آزار و زن کشی نباید احساس امنیت کند. وقت آنست یک گام فراتر برویم و برای امنیت زنان در محل کار و زندگی و مدرسه و دانشگاه و خیابان اقدامی عملی در دستور بگذاریم.

جنبش آزادیخواهانه نمیتواند و نباید این وضعیت را تحمل کند. زن گشی به عهد عتیق تعلق دارد و باید دفن شود. زن کشان باید بدانند که در مقابل عدالت انقلابی نخواهند جست. زن آزاری و تعرض فیزیکی و جانی به زن از نظر ما سنگین ترین جرم تلقی میشود.

**دست زن کشان از زندگی زنان کوتاه!
مرگ بر جمهوری اسلامی!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

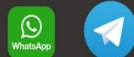
۱ اسفند ۱۴۰۳ - ۱۹ فوریه ۲۰۲۵



ضرورت انقلاب نه فقط از این روست که طبقه حاکم را با هیچ وسیله دیگری جز انقلاب نمیتوان سرنگون کرد، بلکه همچنین از این رو، که طبقه سرنگون کننده تنها در یک انقلاب است که موفق می گردد تا گریبان خود را از تمام کتافات کهنسال نظام های قبلی رها کرده و قابلیت بنیان نهادن و ساختن جامعه ای نوین را کسب نماید.

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran - Hekmatist

فراخوان حزب حکمتیست

علیه زن کشی و زن آزاران متحد و

قاطع عمل کنیم!

جامعه ایران صحنه پدیده های متناقض است؛ از سوئی بزرگترین خیزش انقلابی زنانه در آن عروج میکند و از سوی دیگر با رواج روزافزون "زن گشی" روبروست. واضح است ایندو یک وزن ندارند، در یک سطح و یک موقعیت هم نیستند. اولی، یعنی خواست آزادی و برابری زن و مرد و نفی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، جنبشی ریشه دار علیه وضع موجود و رژیم اسلامی است. دومی، یعنی زن گشی و زن آزاری، با اتکا به قانون و دین اسلام و تبلیغات مذهبی ضد زن، از رانت و سوبسید حکومت حافظ مردسالاری بهره میجوید. اولی، به آینده تعلق دارد و جنبشی برای دفن رژیم اسلامی و یک تاریخ طولانی ضدیت با زن است. دومی، به گذشته تعلق دارد، در مقابل موج قدرتمند تغییر مقاومت میکند، دست و پا میزند و در پناه قانون اسلامی جنایت میکند.

قتل و آزار سیستماتیک زنان، اساساً حکومتی است اما فرهنگ ضد زن و مردسالاری و مقاومت در مقابل آزادی زن لایه ای ضخیم از جهالت تاریخ بشر را حمل میکند. در این اوضاع است که زن کشی در ایران به بهانه های مختلف اوج گرفته است؛ از سربریدن دختر توسط پدر تا کاردآجین کردن توسط خانواده و همسر و برادر، از بهانه دفاع از "ناموس" و "شرف" تا نارضایتی از غذا و بگومگویی خانوادگی، از تعرض خیابانی سرکوبگران حکومتی به زنان و قتل و تجاوز در زندان تا زورگیری و تعرض اوباش و لمپن ها، از کارخانه تا خانه و خیابان؛ زن قربانی نظم و قوانین ضد زن است. پدیده زن گشی و رشد سرطانی آن بدون پیشینه نیست و در متن این اوضاع صورت میگیرد.

برای تخفیف و رفع این معضل مهم اجتماعی، انتظار از دولت و نهادهای حکومت اسلامی، توقع از مسببین و عاملان آپارتاید و زن ستیزی توهمی مهلک است. مقابله با زن آزاری و زن گشی را به سرنگونی حکومت و استقرار نظامی بهتر موقوف کردن، نیز رفع تکلیف از امر روز و رها کردن زنان در منگنه زن کشی و زن آزاری است. با منطق "همه یا هیچ" نمیتوان سراغ هیچ مسئله ای رفت. راه چاره اعمال قدرت مستقیم و سنگربندی عملی در مقابل این توحش است. باید پایه های جامعه آزاد و تحقق امنیت اجتماعی زنان را از همین امروز و در متن مبارزه جاری برای نفی اوضاع کنونی بنا نهاد و تحکیم کرد. باید علیه زن گشی و زن آزاری صفی محکم ایجاد کرد و عمل زن گشی و شکنجه و آزار زنان را با عمل انقلابی پاسخ داد. نباید گذاشت به نام ما، به نام مردان، به نام فرهنگ، کثیف ترین و شنیع ترین و ارتجاعی ترین اعمال علیه زنان صورت گیرد. نباید اجازه داد زن کشان و زن آزاران در پناه قانون اسلام و حمایت آخوند و فرهنگ واپسگرا راست راه بروند و به ریش مبارزه برای آزادی و برابری زن و مرد بختند. باید همین امروز، دستانی را که مبادرت به کشتن زن میکند شکست. باید همین امروز ارتجاع ضد زن را در هر قلمرو نبرد اجتماعی عقب راند.

فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به زنان و مردان

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

خانواده قتلگاه زنان بی دفاع!

جلال محمود زاده

توان دفاع از خود دارند و نه کسی از اعضا دیگر خانواده بدادشان میرسد. آنها حتی با سکوتشان شریک جرم قاتلین بشمار می آیند.

تصورش وحشتناک است که انسان هر لحظه در انتظار حمله ور شدن نرینه های خانواده زیر یک سقف زندگی کند. وحشتناکتر اینکه در بعضی موارد مادر خانه هم مستقیم و یا غیرمستقیم در این قتلها شریک شده اند. حتی اذیت و آزار روحی کسانی چون همسر یا دختر و یا خواهر که سالیان دراز با او زندگی کرده ای، تهوع آور است چه برسد به کشتن فجیع آنها. اینگونه "خانواده ها" زندانهایی به موازات زندانهای جمهوری اسلامی برای زنان هستند. جاییکه خود رژیم در زندانهایش روزانه انسانها را به قتل میرساند، در جوار آن نمایندگان فکریش در پیکر شوهر، پدر، برادر؛ و حتی عمو و دایی در زندانهایی به نام خانواده، همان وظیفه جمهوری اسلامی را پیش میبرند.

رژیم جمهوری اسلامی به نام خدا زنان را به قتل میرساند و این جانیان خانواده، بنام "ناموس" و "حفظ آبرو و حیثیت فامیل" ناشی از افکار پوسیده و ارتجاعی فرهنگ مردسالارانه و مذهب اسلامی به این جنایت دست میزنند. این فرهنگ یکی از ستون فقرات رژیم جمهوری اسلامی است.

در بحبوحه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و قتیکه جوانان و در راس آنها زنان بر علیه حجاب این مظهر و هویت جمهوری اسلامی در خیابانها حماسه میآفرینند و کل رژیم را به چالش کشیدند، همزمان در بهمن ماه یک گزارش مستند از شهر اهواز تمام جامعه را در بهت فرو برد. رسانه "رکنا" همراه گزارشی عکسی منتشر کرد که تمام صحنه های فداکاریهای جوانان و زنان در خیابانها را تیره کرد و بغض جامعه را ترکاند.

گزارش، عکس مرد جوانی را نشان میدهد که در یک دست کارد بزرگ و خونینی و در دست دیگر سر از تن جدا شده زنی را همراه دارد. این جندش آورترین صحنه ای است که میتوان تصورش را کرد. طبق گزارش، این زن جوان ۱۷ ساله از ۱۲ سالگی به کودک همسری با پسر عموی خود محکوم میشود و دارای فرزندی است. از دست اذیت و آزار شوهرش به ترکیه فرار میکند. پدرش او را دوباره به قتلگاهی به نام خانواده برمیگرداند و طولی نمی کشد که بدست شوهرش یه قتل میرسد.

روز بعد رسانه رکنا به دلیل "بهم زدن نظم و وجدان جامعه" تعطیل میشود و خیلی زود این خبر هم مثل هزاران مورد دیگر از رسانه ها خارج میشود. ذهن جامعه هم آنقدر به این صحنه ها عادت کرده که زیر فشار فلاکت زندگی روزمره، آنرا به فراموشی میسپارد. این تناقض آزار دهنده است. این جنایات با جنبش ضد مذهبی اخیر در ایران که آوازه آن در جهان پیچید، همخوانی ندارد. باید بر علیه آن به پا خواست. باید فضای جامعه برای اینگونه مردان را چنان تنگ کرد که قتل سهل است، بلکه جرات دست بلند کردن بر روی هیچ زنی نداشته باشند.

قتل ناموسی زنان در خانواده، جبهه دیگر جنگی است که به موازات جمهوری اسلامی بر علیه زنان عمل میکند. تصور اینکه رژیم جمهوری اسلامی فقط در نیروهای سرکوب کننده خلاصه میشود، اشتباه است. مذهب و فرهنگ متعفن اسلامی تحریک کننده و عامل اصلی قتل زنان با توجیه حفاظت از ناموس است که در جامعه مذهب زده و مرد سالار ایران به طرق مختلف به قوانین نوشته و نانوشته تبدیل شده است.

طبق قانون جمهوری اسلامی اگر پدر خانواده بخاطر "حفظ آبروی فامیل" دختر خود را به قتل برساند، شامل تخفیف مجازات میشود و خیلی زود شامل عفو ملوکامه اسلامی قرار میگیرند.

متأسفانه کسی از سرنوشت این قاتلین همسر، دختر و یا خواهرخبر دقیقی ندارد. بعضا بعد از مدت کوتاهی آزاد میشوند و دوباره سر و کله شان در شهر و محله پیدا میشود.

آیا کسی این قاتلین زن کُش در محله خود را میشناسد؟ آیا با او مثل سابق خوش و بش میکنند و انگار نه انگار اتفاقی افتاده است؟

آیا کسانی در محله به این قناعت رسیده اند که باید این قاتلین را طرد کرد و اجازه نداد در محله زندگی کنند؟ آیا تا بحال اتفاق افتاده که آنها حداقل زیر نگاههای خشمگین مردم محله مجبور به ترک شهر و محله شده باشند؟

۲۷ فوریه ۲۰۲۵

آزادی، برابری، رفاه

از یک دنیای بهتر

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دائما بعنوان شاخص های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص ها قرار دارند.

دقیقا همین ایده آنها بنیادهای معنوی کمونیسیم کارگری را تشکیل میدهند. کمونیسیم کارگری جنبشی برای دگرگونی جهان و برپایی جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.



تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیسیم کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

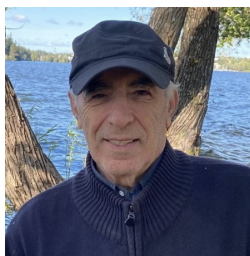
ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۴:۳۰ تا ۳:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

اعدام قتل عمد دولتی است!

ستون آخر

خانواده قتلگاه زنان بی دفاع!

جلال محمود زاده



کُشی ثبت شده است که ارقام واقعی پنهان به ۲۰ برابر میرسد. از این رقم ۳۳٪ را زنان تشکیل میدهند که اکثریت آنها زنان خانه دار هستند.

در سال ۱۴۰۱ حدود ۶۹۰۰ خودکُشی منجر به مرگ ثبت شده که ۲۵٪ یعنی ۱۷۰۰ زن را شامل میشود. اینها زنانی هستند که دیگر طاقت تحمل شکنجه و اذیت و آزار جسمی و روحی قوانین مردسالارانه در خانه را نیاورده و مرگ را به این زندگی جهنمی خانواده ترجیح داده اند و قیل از اینکه افکار جنایتکارانه مردانشان به عمل تبدیل شود، خود دست به خودکُشی زده اند. در حقیقت سالانه حدود دو هزار زن قربانی عرق ناموسی، فرهنگی و مذهبی مردان خانواده میشوند. البته این آمار رسمی و ثبت شده است. ارقام واقعی سرسام آورند.

"زن کُشی ناموسی" پدیده ای نیست که بتوان آنرا فقط در چهارچوب مفهوم امروزی، زن ستیزی در جامعه توجیه کرد و مبارزه بر علیه آنرا به جوامع انسانی آینده حواله کرد. زن کُشی جنایت شنیعی است که در جامعه ایران روزانه اتفاق میافتد و دولت که ظاهراً مسئول امنیت جان شهروندان خود است، اغلب خود عامل و یا حامی این جنایات است. به طول عمر ننگین جمهوری اسلامی این جنایات جزء عرف جامعه بشمار میروند و کم و بیش به قانون نوشته و نانوشته تبدیل شده اند.

رسانه ها علل این جنایات را "اختلاف خانوادگی" معرفی میکنند. این هیولای خانواده چیست که در چهارچوب تنگ آن سالانه در ایران هزاران قربانی میگیرد. قربانیانی که نه

در ایران روزانه خبر به قتل رسیدن زنان و دخترانی بدست همسر، پدر، برادر، دایی و عمو و حتی در مواردی با همکاری مادر خانه، در میان انبوه اخبار دیگر سریعاً گم میشوند و به فراموشی سپرده میشود.

۱۴ اسفند ماه جاری، آرزو کمی ۳۴ ساله ساکن گرگان بدست شوهرش به قتل میرسد. رسانه ها علت آنرا "اختلاف خانوادگی" معرفی میکنند.

۱۱ بهمن، فاطمه پادلی کارگر شالیزار ساکن کرکوی گرگان، جلو چشمان دو فرزند خردسالش بدست شوهر با تبر به قتل میرسد. انگیزه باز هم "اختلاف خانوادگی".

۲۸ بهمن ماه، نجیبه حسن خانی (۴۰ساله) در ماسال بدست شوهر جوان خود در ماشین حبس و به آتش کشیده میشود و ساعاتی بعد در بیمارستان جان خود را از دست میدهد. انگیزه: "اختلاف خانوادگی".

۲۹ بهمن، دنیا حسینی ساکن کرمانشاه بدست پدرش در خواب با چاقو کشته میشود. او طلاق گرفته بود و سه روز بود که به خانه پدری یعنی قتلگاه خود پناه آورده بود.

این لیست جنایات به اصطلاح ناموسی را میتوان ادامه داد. سازمان ملل گزارش میدهد که در سالهای گذشته بطور متوسطه طبق آمار رسمی هر دو روز یک زن یعنی حدود ۱۷۰ زن در سال به همین انگیزه به قتل رسیده اند. ولی این تمام مسئله نیست. "انجمن پیشگیری از خودکُشی" در ایران گزارش میدهد که سالانه حدود ۱۵۰ هزار اقدام به خود

آدرسهای تماس با حزب
کمونست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.Uk

هیئت تحریریه نشریه کمونست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی

صفحه ۱۰

نشریه حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

اگر برای کمونست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

نفسی کمونست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!